

گفت و گو با معتادی که دوستش را در پاتوق معتادان کشت

خون لومی دهد

اردیبهشت امسال، گزارش قتل مردی کارتن خواب به پلیس پایتخت اعلام شد. به دنبال اعلام این خبر تحقیقات از سوی کارآگاهان جنایی آغاز شد. تحقیقات میدانی حکایت از آن داشت که مقتول ۳۲ ساله کارتن خواب است و خانواده اش در تهران نیستند. بررسی هاشان می داد که گوشی تلفن همراه و پولی که همراه او بوده نیز به سرقت رفته است. در بازبینی دوربین های مدار بسته و تحقیق از اهالی محل مشخص شد مقتول با مرد کارتن خواب دیگری شب حادثه دیده شده است. مرد کارتن خوابی که پس از جنایت متواری شده و کسی از او خبری نداشت. همین مساله حکایت از آن داشت که کارتن خواب جوان دست به قتل زده باشد. با شناسایی هویت متهم ۲۵ ساله تحقیقات برای دستگیری او ادامه داشت تا این که مرد جوان در آرمیوه فروشی شناسایی و دستگیر شد و در بازجویی ها به قتل اعتراف کرد. این هفته رودروی این متهم به قتل نشسته و به گفت و گو با او پرداختیم که در ادامه می خوانید..

امیرعلی حقیقت طلب

تپش

چه شد که دست به قتل زدی؟

وسوسه، تنها انگیزه ام برای جنایت بود.

چه وسوسه ای؟

مقتول تلفن همراه داشت و وضع مالی خوبی داشت. درست است که کارتن خواب بود، اما در اصل آدم درست و حسابی بود.

این اطلاعات را از کجا به دست آوردی؟

مقتول کارتن خواب بود و من هم مثل او بودم. بعضی شب ها با هم درد دل می کردیم. کامران از زندگی اش می گفت و برای همین من فهمیدم که او آدم حسابی است.

از چه نظر آدم حسابی بود؟

تحصیل کرده بود و قبلا هم کار درست و حسابی داشت.

چه شد که آدمی با ویژگی های کامران، کارتن خواب شده بود؟

او برایم تعریف کرد که با همسرش با مشکل روبه رو شده و همسرش هم مهریه اش را به اجرا می گذارد. نمی دانم مهریه همسر کامران چند سکه بود، اما هر چه تعداد بود زندگی اش را نابود می کند. کامران که نمی تواند مهریه سنگین همسرش را پرداخت کند از شهر محل



پا درآوردم . بعد از برداشتن گوشی تلفن همراهش ، جسد را همانجا رها کرده و گریختم.

بعد از قتل چه کردی؟

فرار کردم. مدتی کارتن خواب و بلامکان بودم. اما بعد از چند ماه موفق شدم در یک آرمیوه فروشی در جنوب تهران کار پیدا کنم. روزها آنجا کار می کردم و شب ها هم در همان محل می خوابیدم. اینطوری هم منبع درآمدی داشتم و هم محلی برای استراحت و زندگی و دیگر از کارتن خوابی راحت شده بودم.

عذاب وجدان داشتی؟

مگر می شود کسی عذاب وجدان نداشته باشد. امکان ندارد کسی دست به جرمی بزند و عذاب وجدان نداشته باشد. شب ها که می خواهی بخوابی، مثل بختک به تو حمله می کند و آنچه رخ داده مثل یک فیلم از جلوی چشم هایت می گذرد و صدای مقتول لحظه ای رهایت نمی کند.

قصه نداشتی خودت را معرفی کنی؟

وقتی می دیدم که مجازات کاری که انجام داده ام قصاص است، ترس به جانم می افتاد و از این که خودم را معرفی کنم هراس پیدا می کردم.

فکر می کردی بازداشت شوی؟

من قتل مرتکب شده بودم و خون دامن گیر است. هر چقدر حرفه ای باشی و سرخ ها را از بین ببری، باز هم خون لومی دهد و دستت رو می شود. من آدم بد ذاتی نیستم و واقعا از این اتفاق پیشیمانم. چند بار خواستم خودم را معرفی کنم اما واقعا ترس مرا از این کار واداشت. اما از زمانی که دستگیر شده ام عذاب وجدانم کمتر شده است و شب ها راحت تر سپری می کنم.



وقتی گوشی تلفن

همراهش را دیدم

وسوسه شدم و

ناخواسته دست به

قتلی زدم که هیچ چیزی

جز یک تلفن همراه برای

من نداشت



دوباره انتقام، دوباره اسید

یک پرونده، یک هشدار

از تهدید نترسید، اما پیگیری کنید

سروان سمانه مهربانی، کارشناس آموزش همگانی پلیس آگاهی پایتخت در این باره می گوید: در صورت مواجهه با تهدید و مزاحمت نترسید و آرامش خود را از دست ندهید و در اولین فرصت همراه مدارک و مستندات که نشان دهنده رفتارها و پیام های تهدیدآمیز می باشد به پلیس مراجعه کنید و تا زمان دستگیری فرد مزاحم جانب احتیاط را رعایت کنید. همچنین نسبت به رفتارها و پیام های تهدیدآمیز افرادی که دچار اعتیاد یا اختلالات شخصیتی هستند بی تفاوت نباشید و اقدامات قانونی و امنیتی لازم را انجام دهید تا غافلگیر نشوید. مواجهه با حوادثی از این نوع که ممکن است فرد را دچار اختلال استرس پس از سانحه کند از يك روان شناس کمک بخواهید تا آسیب های روحی و جسمی ناشی از این حادثه را به حداقل رسانده و هر چه زودتر آرامش گذشته را به زندگی خود بازگردانید.



از او دریافت کردم اما جدی نگرفتم، چون فکرش را نمی کردم آنقدر کینه توز و خودخواه باشد که بخواهد مرا به خاطر دور شدن از زندگی پر آسیب مجازات کند. به جای این که با ترک موادمخدر مرا به زندگی برگرداند با این اقدام وحشیانه قصد داشت زندگی مرا هم مثل خودش نابود کند که موفق نشد.

مرد اسیدپاش برای این اقدام هولناک خود فقط یک دلیل داشت و وقتی دستگیر شد در تحقیقات ادعا کرد برای این که نمی خواسته من را از دست بدهد، اقدام به این کار کرده است. روز قبل از اجرای نقشه اسید را به محل کارش برده و روز حادثه مقابل خانه مادرم کشیک داده بود تا بتواند نقشه شومش را اجرا کند. رضایت نمی دهم و باید مجازات شود. به همین خاطر در دادسرای جنایی شکایتی مطرح کردم و پیگیر آن هستم.

می دانم مدت ها طول می کشد تا ترس و وحشت و رنج ناشی از این اتفاق از ذهنم محو شود و بتوانم به زندگی عادی برگردم اما تلاشم را خواهم کرد. بر عکس همسر من به جای رفتارهای خام و ناپخته و آسیب زننده تمام تلاشم را برای بازگرداندن شادی و سلامتی و آرامش به زندگی خودم خواهم کرد.

طبق روال هر روز صبح از خانه بیرون آمدم و راهی محل کارم شدم. با این که ساعات اولیه روز بود ولی آفتاب مستقیم به چشمم می خورد و اذیتم می کرد. دستم را بالا بردم و سایه بان صورتم کردم که ناگهان صدایی از پشت سرم گفت: از فردا خوشگل تر می شوی خانم و بعد جلو آمد و از روبه رو مایعی را روی صورتم ریخت و گریخت.

جیغ زدم و زنگ یکی از خانه ها را زدم و گفتم روی صورتم اسید ریخته اند و آب خواستم. به سرعت صورتم را با آب شستم و صاحبخانه به اورژانس و پلیس زنگ زد. بدون شك لطف خدا بود که در زمان پاشیده شدن اسید روی صورتم ماسک داشتم و دستم را که به دلیل تابش شدید نور خورشید جلوی صورتم گرفته بودم مانع از آن شده که اسید آسیب جدی به صورتم بزند. ولی باز هم در همین سطح محدود هم درد و رنج زیادی به من وارد کرد. با بررسی های انجام گرفته توسط کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی مشخص شد فرد اسیدپاش همسر سابقم بوده که به دلیل اعتیاد از او طلاق گرفتم.

من بارها سعی کردم به او کمک کنم که ترک کند و تمام تلاشم را برای حفظ زندگی ام انجام دادم و او خودش نخواست و در نهایت تصمیم گرفتم از او و مشکلات بی پایش فاصله بگیرم و از او جدا شوم. چند وقت پیش پیام های تهدیدآمیزی